



وعده‌های ۵ هزار دلاری!

ترامپ در گرد همایی دالاس: «اگر جمهوری خواهان در مجلس و سنایپرووز شوند، من به هر شهروند بزرگ سال ۵ هزار دلار سود سهام می‌دهم!» (تسنیم)

یک ماه بعد در فلوریدا: «حاضر محترم، مردم بزرگ آمریکا! آن ۵ هزار دلار؟ اوه بگذارید راستش را بگویم، آن پول خرد بود! در حد یارانه معیشتی. یک پیش پرداخت خنده دار! وقتی ما برنده شویم (و ما چنان با اختلاف تاریخی برنده می‌شویم که دموکرات‌ها از شدت گریه چشمشان قرمز شود، ولی بگویند پشه رفته توی چشممون، آن‌ها عادت دارند دروغ بگویند)، هر آمریکایی نه تنها ۵ هزار دلار

می‌گیرد، بلکه یک خودرو تسلا کاملاً رایگان، با باک کاملاً پر از بنزین دریافت می‌کند! می‌گویند تسلا برقی است؟ مهم نیست! چون ما پالایشگاه‌های ونزولا را تسخیر می‌کنیم و توی باک تسلا بنزین سوپر می‌ریزیم تا دودش چشم دموکرات‌ها را کور کند! خودرویی با بیمه بدنه، شخص ثالث و حتی عوارض جاده‌ای! و کاری می‌کنم خود ایلان ماسک سوار بر تسلا بیاید دم در خانه‌تان، ترمز دستی را بکشد و سوئیچ را تحویل دهد. ایلان آدم خوبی است، تی شرت‌های قشنگی دارد که فکر کنم مستقیم از جمعه بازار آزادشهر مشهد می‌خرد! با من دوست است، مثل برادر، بلکه هم بیشتر!»

دو ماه بعد در نیویورک: حالا درسته اون ۵ هزارتا رو ندادم ولی «دموکرات‌های بازنده می‌گویند ترامپ نمی‌تواند این کار را بکند، آن‌ها دیوانه‌اند! باز مثل همیشه دروغ می‌گویند، آدم‌های حسود و شکست خورده! بعد از آن تسلاهای خوش رکاب، چه می‌خواهید؟ می‌دانم! هر خانواده آمریکایی، یک پنت‌هاوس لوکس در بلندترین برج منتهن خواهد داشت! شاید بگویید مگر ما چند تا بلندترین برج منتهن داریم، اما من روی قولی که به شما می‌دهم، پایبند هستم. با شیرالات طلا و همسایه‌هایی که همگی جمهوری خواه و طرفدار من هستند! از این بهتر؟ قیمتش؟ صفر دلار! باور کنید، ما کاری می‌کنیم که مکزیکی نه تنها هزینه دیوار مرزی، بلکه هزینه ساخت این پنت‌هاوس‌ها، پول شارژ آسانسور، قبوض آب و برق، تعمیرات لوله‌کشی، پول نظافتچی پله‌ها و حتی عوارض نوسازی شهرداری منتهن را تا قرن بعدی بپردازد! تا حالا هیچ‌کس در تاریخ آمریکا به شما مسکن مهر منتهن نداده بود، ولی من می‌دهم!»

سه ماه بعد در لاس‌وگاس: حالا درسته وعده‌های قبلی محقق نشد ولی «حالا، بی‌نظیرترین وعده تاریخ بشریت! وعده‌ای که مخ آکبند کاملاً هریس و جو بایدن حتی گنجایش فکر کردن به آن را هم ندارد، چون کله من پر از مغز است و آن‌ها هیچی نمی‌فهمند! وقتی برنده شویم، هر شهروند یک بلیت رایگان سفر دوهفته‌ای به مریخ با اقامت در هتل هفت ستاره «ترامپ اینترنشنال مریخ» دریافت می‌کند!

صدای سردبیر بلخمون را می‌شنوم که به نویسنده ستون می‌گوید اغراق در طنز خوب است، ولی نه تا این حد. او نمی‌داند من جدی می‌گویم. تازه با سریع‌ترین سفینه‌ها و شام استیک با سس مخصوص در موقعیت بی‌وزنی! اما از همه مهم‌تر، یک دیوار بسیار بلند، ضخیم و طلایی دور تا دور سیاره مریخ می‌کشیم تا هیچ موجود فضایی غیرقانونی و بی‌شناسنامه‌ای نتواند وارد شود و شغل‌های شما را بدزدد! اصلاً یک چیزی، ما مریخ را دوباره با عظمت خواهیم کرد!

جفتمون سر رفته یک کرباسیم!



سعید ترشیزی

سرکن

- سلام سهمیه اولی!
- سلام سهمیه سومی!
- خوش به حالت سهمیه اولی!
- واسه چی سهمیه سومی؟!
- واسه اینکه اولی سهمیه اولی! هر چیزی اولش خوبه، مقام اول، جایگاه اول، رتبه اول، مدال طلا مال توعه، حق توعه، سهم توعه!
- اسکل! سهمیه سومی! مگه مسابقات طناب کشیه که مدال طلا و برنز داشته باشه؟ من لیتری ۳ هزار تومنم، تو لیتری ۱۰ هزار تومن، بعد خوش به حال من؟!
- عه! مگه ما از شکم یک پالایشگاه زاده نشدیم سهمیه اولی؟! مگه داداشی نیستیم؟! پس چرا قیمتامون فرق داره؟! نکنه من سوپریم تو سرب دار، من تمیزم تو طعم دار؟!
- نه تو سوپری، نه من بقالی! نه تو اکتان داری، نه من متانول! جفتمون سر و ته یک کرباسیم!
- پس نکنه من ژن خوبم که گرون ترم سهمیه اولی!
- نه سهمیه سومی! بابا هامون هم یکیه و ژن و سهمیه و پارتی هم نداریم! ولی تو رو ژن خوبا مصرف می‌کنن، من رو ژن بدا! من می‌رم توی شکم پراید و تیرا و آردی، تو می‌ری توی باک لندکروز و بنز و پورشه! من رو وانت پیکان می‌خوره می‌ره میدون هندونه بار می‌زنه، تو رو وانت پیکاپ سرمی کشه می‌ره کویر جامپ می‌زنه! من رو سی جی ۱۲۵ پیک موتوری می‌گیره باهاش باربری می‌کنه، تو رو هنداه ۱۰۰۰ می‌بلعه باهاش دلبری می‌کنه! با من می‌رن سرکار، با تو می‌رن دور دور!
- پس سهمیه اولی، تو سهم عوامی، من سهم خواص!
- آره سهمیه سومی! ما دوتا مثل تخم مرغیم که هر دو از انتهای مرغ می‌آیم و زرده و سفیده داریم و شکل و طعم و مزه و خاصیتمون یکیه، ولی یکی می‌ره روی شانه مقوایی و به مصرف فقرا می‌رسه، یکی می‌ره توی بسته بندی طلایی و به مصرف پول دارا! ما دوتا جنس همیم، ولی مثل هم نیستیم!



۲۱ شهریور ۱۴۰۵ / شماره ۱۸۰

۲

منصوره احمدی

لُخ تو رُخ



۱ افتتاح پروژه‌های مخابراتی با حضور رئیس جمهور و وزیر ارتباطات



دیدید ۶۷ تا ملک از جای دیشی توقیف شد؟ ۶ همت پولشه! خداروشکر ما که اهل تخلف نیستیم ولی اگه اموال ما رو اعلام کنن، ابرومون جلو مردم می‌ره این قدر هیچی نداریم!

جسارتا خودتون رو با من یکی نکنین. من به بسته ترافیک ۳۰ گیگی کم‌کار در حد خشک دارم قربان!

۲ سحرگاه چهارشنبه؛ تنگه همیشه هرمز!



هیچی بابا، آمریکاییا همینج از صید زیر دریایی شون پشماشون ریخته بود، روی آب پر پشم و پیل بود! تونستیم درست حسایی صید کنیم.

دربا چه خبر؟ دیشب باز آتیش بازی بود.

آخه، آخه، تف کنین! هی می‌گم اینا پشمک نیست، پشمک باید شیرین باشه، باز می‌کن پخور نعمت خداست! بفرما همه‌ش پشم بود!

۳ رهاسازی پرندگان شکاری در حاشیه تالاب قم



جدی جدی از امروز خودم باید برم دنبال غذا؟ حالا ما شیشلیکی کیلو ۲ تومن که نخواستیم، به کلیشه‌ای، ماری، بوفالویی چیزی می‌دادی هم کارمون راه می‌افتاد دادا.

ببین، یعنی دهشت سرویس! این قدر بر بیابونه اینجا، سرگین غلئون که هیچ، خود سرگین هم گیرمون نمی‌آد!

۴ افتتاح دوازدهمین نمایشگاه نوشت افزار ایرانی



سواد دارم، خویشم دارم، ولی نیگا این خیلی درازه! یک دو سه چهار... هفت رقمه!

تو مگه نگفتی سواد داری؟ آره؟ آگه راست می‌گی، بخون دیگه! مامان گفت همونی که پشت جلد نوشته، قیمتشه.

تشنج نکنی بابا با سواد! دفترآ دونه‌ای ۳۵۰ تومنه!